

روش تحقیق کیفی ضدروش

(منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)

□ قاسم آزادی احمدآبادی^۱

دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه
خوارزمی



معرفی کتاب:

جلد یکم از کتاب روش تحقیق کیفی ضد روش با عنوان منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی توسط «دکتر احمد محمدپور» در ۴۱۶ صفحه به رشته‌ی تحریر درآمده و از سوی انتشارات جامعه‌شناسان و با قیمت ۱۱۰۰۰۰ ریال به بازار نشر عرضه شده است. این کتاب در قالب سه گفتار تدوین شده و هر گفتار دربرگیرنده‌ی فصل‌هایی است که به‌صورت پیاپی شماره‌گذاری و تنظیم شده و در مجموع مشتمل بر ۱۲ فصل است.

گفتار اول با عنوان «بنیان‌های فلسفی و طرح‌های عمده»، شامل دو فصل است: فصل یکم مناقشه‌های پارادایمی در حوزه‌ی روش؛ از اثبات‌گرایی تا پراگماتیسم و فصل دوم طرح‌های تحقیق کیفی را مطرح کرده است. گفتار دوم که تحت عنوان «رویه‌های داده‌یابی کیفی» نام‌گذاری شده است، چهار فصل را دربردارد به این نحو: فصل سوم مشاهده؛ فصل چهارم مصاحبه؛ فصل پنجم روش گروه مرکز و فصل ششم سنجه‌های غیرواکنشی. «رهیافت‌های تحقیق کیفی» عنوان گفتار سوم است که ۶ فصل دارد. فصل هفتم به مردم‌نگاری؛ فصل هشتم روش تحقیق پدیدارشناختی؛ فصل نهم روش تحقیق فمینیستی؛ فصل دهم نظریه زمینه‌ای؛ فصل یازدهم روش تاریخی- تطبیقی و فصل دوازدهم به تحقیق عملی مشارکتی اختصاص پیدا کرده است.

● نویسنده: احمد محمدپور

● سال ۱۳۹۰

● ناشر: جامعه‌شناسان، ۴۱۶ صفحه

● قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

درباره‌ی مولف:

«دکتر احمد محمدپور»، دکترای جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی از دانشگاه شیراز و عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینای همدان در گروه جامعه‌شناسی است. حوزه‌های پژوهشی مورد علاقه‌ی وی عبارتند از: فلسفه روش، روش‌شناسی در علوم اجتماعی و رفتاری، نظریه اجتماعی متأخر و رویکردهای نوین توسعه و تغییرات اجتماعی. جلد دوم همین کتاب با عنوان *مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی* و نیز کتاب‌های *فراروش: بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری و روش در روش: درباره‌ی ساخت معرفت در علوم انسانی* که هر سه از انتشارات جامعه‌شناسان هستند، حاصل مطالعات و تجربیات ایشان است.

نقد صوری:

کتاب با معرفی کوتاه از نویسنده شروع شده و فهرست مطالب، جدول‌ها، مدل‌ها و جعبه‌ها به یافتن موارد مربوطه در متن اصلی کتاب کمک خواهد کرد. بهتر بود نویسنده‌ی محترم در بخش فهرست مطالب، حوزه‌های فرعی را با تورفتگی‌هایی به شکل سلسله‌مراتبی نشان می‌داد تا خواننده با یک نگاه به موضوعات اصلی و فرعی پی ببرد.

برای بیان بهتر موضوع در متن از ابزارهایی نظیر مدل و جعبه استفاده شده که به نظر می‌رسد معادل‌های نمودار و کادر اصطلاح مناسب‌تری برای توصیف این موارد باشد.

ارجاعات کتاب به شکل درون‌متنی است و در مواردی که دیدگاه نویسنده‌ی مطرح شده، در مقابل نام نویسنده، تاریخ نشر اثر در داخل پراکنش اعلام شده و پس از آنکه اظهارنظر فرد تمام شد، مجدداً نام نویسنده، تاریخ نشر اثر و شماره صفحه منبع در داخل پراکنش آمده است. بهتر بود نویسنده‌ی این کتاب، این موارد را مدنظر داشت و در همان ابتدا این ارجاع را به شکل کامل در متن درج می‌کرد و نیازی به تکرار دوباره نبود.

معادل نام نویسنده‌ها در مواردی که برای اولین بار در متن آمده، به شکل زیرنویس ذکر نشده است؛ به عنوان مثال در صفحات ۲۵، ۴۴، ۴۵ و...

برخی از جدول‌ها شکسته شده و در یک صفحه نیامده، به‌طور مثال جدول صفحه‌ی ۹۶ و ۹۷. البته این موارد باید مورد توجه صفحه‌آرا قرار می‌گرفت و تلاش می‌کرد تا حد ممکن جدول‌ها در یک صفحه قرار بگیرند.

در متون علمی باید عنوان جدول در بالای آن و در سایر موارد مانند تصاویر و نمودارها عنوان‌ها در قسمت پایین درج شود که در این کتاب فقط مورد اول رعایت شده است.

برخی از جداول فاقد استناد هستند. نویسنده جداول اقتباسی و ابداعی خود را مشخص کرده، اما با این حال برای برخی از جداول منبعی مشخص نشده است؛ به‌طور مثال جدول شماره‌ی ۴۶ صفحه‌ی ۲۷۰.

غلط تایپی و املائی به‌ندرت در متن‌ها به چشم می‌خورد؛ مثلاً صفحه‌ی ۲۰۱، «گفتگوی مستقیم» به شکل «گفتگو مستقیم» تایپ شده است. در مورد کلمات مرکب نیز نیم‌فاصله رعایت شده است. در بخش منابع و مأخذ نیز استانداردهای مربوط به کتابنامه‌نویسی رعایت شده است.

با توجه به اینکه این کتاب بر دیدگاه‌های نویسندگان غربی تأکید داشته و حاصل ترجمه‌ی این نظرات است، اما نویسنده‌ی محترم از نثر ساده و روانی برای بیان آن‌ها استفاده کرده است. با این حال مواردی وجود دارد که شاید بتوان معادل‌های بهتری در زبان فارسی برای آن پیشنهاد داد به طور مثال:

- محتوایاب (معادل اصطلاح content-mining صفحه‌ی ۱۶۴) به جای محتواکش

- سازمان‌دهنده به جای ساخت‌دهنده

- پیشینه‌های آرشیوی (معادل اصطلاح archival records در صفحه‌ی ۲۰۳) به جای ثبت‌های آرشیوی

- بررسی از ابعاد مختلف (معادل اصطلاح Triangulation در صفحه‌ی ۲۱۹) به جای زاویه‌بندی

- مبتنی بر بافت یا بافت‌نگاری (معادل اصطلاح contextualization در صفحه‌ی ۲۱۸) به جای بسترمندی.

نقد ساختاری

از آنجا که هدف از تألیف این کتاب، آشنایی جامعه‌ی استفاده‌کننده با روش‌شناسی کیفی، تنوع، پیچیدگی و اهمیت این نوع روش‌شناسی بوده، نگارنده در ابتدا برخی ملاحظات بنیادین فلسفی و روش‌شناختی را در حوزه‌ی روش‌شناسی کیفی شرح داده، سپس روش‌های عمده‌ی گردآوری داده‌ها از قبیل فنون مشاهده، مصاحبه، گروه مرکز و سنج‌های غیرمراحم را بیان کرده و در ادامه ۶ روش تحقیق کیفی عمده را معرفی کرده است. برای این منظور کتاب را به سه بخش تقسیم نموده و آن‌ها را گفتار نامیده است. در این گفتارها بنا به موضوع بحث، فصل‌هایی گنجانده شده است. گفتارها با یک مقدمه‌ی کلی شروع شده و فصل‌های مورد بحث را معرفی کرده که این مقدمه به مطالعه‌ی بهتر بخش‌ها کمک می‌کند. به این ترتیب ساختار ارائه‌ی مطالب از حیث زنجیروار بودن محتوایی و رعایت تقدم و تأخر، منطقی و صحیح به نظر می‌رسد.

گفتار اول با عنوان بنیان‌های فلسفی و طرح‌های عمده، شامل دو فصل است که فصل یکم آن به مناقشه‌های پارادایمی در حوزه‌ی روش و فصل دوم به طرح‌های تحقیق کیفی پرداخته است. فصل اول به بررسی اصول و مبانی روش‌شناختی پارادایم‌های غالب در علوم اجتماعی و رفتاری اختصاص دارد که هر کدام، یکی از روش‌شناسی‌های عمده را پشتیبانی می‌کند. در این فصل برای خواننده مشخص خواهد شد که روش‌شناسی کمی بر پارادایم‌های

با افراد یا مشاهده‌ی آن‌ها مبتنی نباشد. این روش که می‌تواند دربرگیرنده‌ی آثار فیزیکی و به‌جا مانده از انسان‌ها مانند آثار باستانی، اسناد و مدارک مکتوب مانند رادیو و تلویزیون باشد، در فصل ششم از این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. این فصل نیز با یک مقدمه شروع شده و انواع غیرمزامح یا غیرواکنشی را به این صورت دسته‌بندی و تجزیه تحلیل نموده است: ۱- مصنوعات شامل داده‌های آرشیوی و شواهد آثار مادی و ۲- مشاهده‌های پنهان و غیرواکنشی.

گفتار سوم با عنوان رهیافت‌های تحقیق کیفی، ۶ فصل دارد. در این گفتار مؤلف با در نظر گرفتن معیارهای خاص به معرفی و تشریح ۶ روش عمده تحقیق کیفی می‌پردازد. این ۶ روش طرح‌هایی هستند که از طریق آن‌ها انجام کار کیفی امکان‌پذیر است. روش‌های دیگر که قادر به فراهم کردن چنین امکانی نیستند، بلکه بیشتر در قالب هر یک از روش‌های شش‌گانه برای داده‌یابی، داده‌کاوی و ارزیابی داده‌ها به کار می‌روند، در جلد دوم این کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند. گفتار سوم نیز با یک مقدمه و توضیح کلی در رابطه با روش‌های مورد بحث در فصل‌های آن شروع شده است. فصل هفتم به مردم‌نگاری پرداخته و در آن تعاریف مختلف از این روش و زمینه‌ی تاریخی پیدایش آن، مشخصه‌های عمده‌ی آن، فرض‌های بنیادین، بنیان‌های فلسفی عمده شامل پدیدارشناسی، رفتارشناسی، فمینیسم، پست‌مدرن و... مورد بحث قرار گرفته است. سپس رویکردهای مختلف مردم‌نگاری در ۲۷ دسته تقسیم‌بندی شده است. در ادامه معیارهای ارزیابی طرح تحقیق مردم‌نگاری مطرح شده، بعد از آن به نوع‌شناسی طرح‌های عملی اجرای مردم‌نگاری از دیدگاه روش‌شناسان پرداخته شده است و در نهایت مراحل عملی یک طرح تفصیلی در هشت گام تبیین شده است. از آنجا که معمولاً ارزیابی پس از به‌کارگیری و معرفی هر روشی مطرح می‌شود، بهتر بود نویسنده‌ی محترم بحث مربوط به معیارهای ارزیابی طرح‌های مردم‌نگاری را در انتهای این فصل ارائه می‌کرد تا انسجام و نظم منطقی ارائه مطالب حفظ شود. فصل هشتم با عنوان روش تحقیق پدیدارشناختی با مقدمه و تعاریف شده و سپس اصول و مبانی آن مطرح شده و به تحلیل پدیدارشناختی پرداخته شده و راهبردهای پژوهشی جهت طراحی و اجرای این رویکرد از دیدگاه افراد صاحب‌نظر مطرح شده است. پس از آن به رویه‌های نمونه‌گیری و اعتباریابی نتایج پرداخته شده و معیارهای ارزیابی طرح تحقیق پدیدارشناختی در قالب جدول و به ترتیب مراحل اجرای آن ارائه شده است. در پایان، نویسنده اذعان کرده که نوشتن در باب فلسفه‌ی چون پدیدارشناسی کاری بسیار دشوار است و به ظرافت و دقت بالایی نیاز دارد که ممکن است در مورد سایر دستگاه‌های فلسفی چنین نباشد؛ از این رو، نویسنده با توجه به این دشواری‌ها به هیچ وجه مدعی نیست که این دستگاه پیچیده و وسیع فلسفی را به خوبی تشریح کرده است. با این وجود اظهار امیدواری می‌کند که برخی از ابعاد روش‌شناختی این رویکرد را تا حد ممکن روشن کرده باشد.

اثباتی و پسالاباتی که بر اصالت ساخت- محیط تأکید دارد، استوار است. علاوه بر این، روش‌شناسی کیفی نیز اگرچه از نظر تاریخی و فلسفی بر رویکردهای تفسیری- برساختی و تأویلی تکیه دارد، اما اخیراً از سوی دیگر پارادایم‌های غیراثباتی یا ضداثباتی مانند پارادایم‌های انتقادی، پست‌مدرن و فمینیسم مورد حمایت و استفاده قرار گرفته است. قطعاً مطالعه‌ی عمیق مباحث این فصل برای درک دیگر فصول کتاب بسیار کلیدی است. فصل دوم گفتار حاضر به مروری بر طرح‌های عمده‌ی کیفی اختصاص دارد. اگرچه در گفتار سوم به‌طور مفصل انواع روش‌ها و طرح‌های کیفی مورد بررسی قرار گرفته، نویسنده ذکر نکته‌هایی در مورد ابعاد مهم تحقیق کیفی، اهداف آن، مشخصه‌های فنی، انواع داده‌های کیفی، مقایسه‌ی ابعاد و مشخصه‌های عمده‌ی دو پژوهش کمی و کیفی، طرح‌های تحقیق کیفی، راهبردهای مربوط به گردآوری داده‌ها، نمونه‌گیری، تحلیل و بازنمایی داده‌ها و ارزیابی و اعتباریابی کیفیت را ضروری دانسته و به تشریح آن‌ها پرداخته است. از دیگر مباحث مطرح‌شده در این فصل، رویکردها، واژه‌ها، رویه‌ها و استانداردها در تحقیق کیفی و مزایا و کاستی‌های روش‌شناسی کیفی است. در این فصل خلاصه‌ای از طرح‌های تحقیق کیفی که در همین کتاب مورد بحث قرار گرفته و نیز نحوه‌ی سازماندهی مطالب موجود در این کتاب دو جلدی در قالب جدول ارائه شده است. به این ترتیب فصل دوم به ارائه‌ی برخی مسائل و مشخصه‌های بنیادین در تحقیق کیفی و استدلال‌های نویسنده در این‌باره اختصاص یافته که آگاهی مخاطب از آن‌ها برای ورود به بحث اصلی کتاب ضروری است.

گفتار دوم که تحت عنوان رویه‌های داده‌یابی کیفی نامگذاری شده، ابزارهای مشاهده؛ مصاحبه؛ روش گروه مرکز و سنجه‌های غیرواکنشی را شرح می‌دهد. فصل سوم برای معرفی روش مشاهده با یک مقدمه شروع شده و مشخصات عمده‌ی مشاهده مشارکتی را مطرح کرده است. مراحل عملی مشاهده و انواع یادداشت‌برداری از دیگر موضوعاتی است که در این فصل به آن پرداخته شده است. در فصل چهارم که به مصاحبه پرداخته شده، ماهیت مصاحبه‌های کیفی از دیدگاه صاحب‌نظران، مصاحبه از نظر رویکرد پست‌مدرن، ویژگی‌ها، انواع و دسته‌بندی‌های متنوع مصاحبه از دیدگاه افراد مختلف، شیوه‌های تحلیل داده‌های مصاحبه‌ای و در نهایت تدوین گزارش مصاحبه را به تفصیل بیان داشته است. روش گروه مرکز عنوان فصل پنجم است که با یک مقدمه شروع شده و خاستگاه تاریخی آن بررسی شده است. مزایا، کاستی‌ها، مراحل عملی تحقیق گروه مرکز از نظر نویسندگان و افراد صاحب‌نظر در این حوزه از دیگر مباحثی است که در این فصل مورد توجه قرار گرفته است. به‌نظر می‌رسد اصطلاح گروه تمرکز یا متمرکز برای بیان این روش مناسب‌تر باشد.

روش‌های غیرمزامح یا غیرواکنشی از دیدگاه روش‌شناسان شامل هرگونه مطالعه‌ی رفتار انسانی است که بر گفتگوی مستقیم

روش تحقیق فمینیستی رویکرد دیگری است که در فصل نهم مورد بحث قرار گرفته است. پس از مقدمه‌ی جامع، مقایسه‌ی ابعاد پارادایمی مکتب‌های متفاوت فمینیسم در قالب جدول ارائه شده است. فمینیسم از موضع معرفت‌شناختی و روش‌شناختی بررسی شده و اصول یک کار پیمایش فمینیستی به شکل خلاصه ارائه شده و این فصل با بخش نتیجه‌گیری و ارائه‌ی مجموعه‌ای از اصول پژوهشی که روش‌شناسان فمینیستی آن را مطرح کرده‌اند به پایان می‌رسد. فصل دهم این کتاب به نظریه زمینه‌ای اختصاص پیدا کرده که در آن بنیان‌های پارادایمی و نظری این روش مطرح شده، اصول عملی ساخت نظریه زمینه‌ای به تفصیل بیان شده و قبل از ورود به مرحله تحلیل داده‌ها، مفاهیم کلیدی در این حوزه تشریح شده و پس از آن شاخص‌های کیفیت و اعتباریابی نتایج مورد بررسی قرار گرفته است. قسمت نتیجه‌گیری با عنوان «برآیند» در ادامه آمده است، در انتها نیز معیارهای ارزیابی طرح تحقیق نظریه زمینه‌ای در قالب جدول و به ترتیب اجرای آن ارائه شده است. به نظر می‌رسد اگر این جدول نیز در داخل متن اصلی و قبل از بخش برآیند قرار می‌گرفت انسجام و نظم بیشتری به این فصل می‌بخشید.

فصل یازدهم روش تاریخی - تطبیقی را با بیان یک مقدمه و تعاریف و منطق این روش معرفی کرده و پس از آن ویژگی‌های خاص و مراحل عملی آن را نشان داده و در نهایت معیارهای ارزیابی طرح تحقیق تاریخی - تطبیقی را توضیح داده است. برای معرفی این روش نیز مانند سایر روش‌ها از یک نظم منطقی استفاده شده است. در نهایت فصل دوازدهم به معرفی روش تحقیق عملی مشارکتی اختصاص پیدا کرده است. این فصل نیز با مقدمه و تعاریف مربوط به این رویکرد شروع شده، سپس به تبیین مشخصه‌ها و اصول بنیادین پرداخته است. در ادامه مراحل عملی این روش توضیح داده و معیارهایی که برای ارزیابی طرح تحقیق مربوط به آن مورد استفاده قرار می‌گیرد را در قالب جدول نشان داده است.

ساختاری که نویسنده‌ی محترم برای بیان مسائل مربوط به هر فصل در پیش گرفته و به‌ویژه در معرفی روش‌های تحقیق که تلاش کرده تعاریف گوناگون، خاستگاه تاریخی، اصول عملی و اجرایی و نیز معیارهای ارزیابی مربوط به هر طرح تحقیق را ارائه دهد، به خواننده کمک خواهد کرد که به بهترین شکل نسبت به موضوع آگاهی پیدا کرده و آن را برای انجام پژوهش‌های خود به کار گیرد. در نهایت می‌توان عنوان کرد که ارائه‌ی ویژگی و چارچوب پژوهشی خاص هر کدام از روش‌های تحقیق کیفی، توازن کمی و کیفی مباحث کتاب در هر دو بخش فلسفه‌ی روش و شیوه‌های عملی پژوهش کیفی از موارد مثبت این کتاب در بعد ساختار است.

نقد محتوایی

در کتاب حاضر، به بیان شیوه‌های استفاده از منطق و طرح در تحقیق کیفی پرداخته شده است. این کتاب، با هدف آشناسازی

مخاطبان با روش‌شناسی کیفی، تنوع، پیچیدگی و اهمیت این نوع روش‌شناسی تدوین شده است. نگارنده ابتدا برخی ملاحظات بنیادین فلسفی و روش‌شناختی را در حوزه‌ی روش‌شناسی کیفی شرح داده، سپس روش‌های عمده‌ی گردآوری داده‌ها از قبیل فنون مشاهده، مصاحبه، گروه مرکز و سنج‌های غیرمراحم را بیان کرده است. در ادامه ۶ روش تحقیق کیفی عمده با عنوان‌های مردم‌نگاری، تحقیق فمینیستی، روش پدیدارشناختی، نظریه‌ی زمینه‌ای، روش تاریخی - تطبیقی و روش تحقیق علمی را معرفی کرده است.

مفهوم روش به‌طور تاریخی و متعارف عمدتاً با تداعی رویکردهای عین‌گرا و اثباتی تداعی شده است. بر همین اساس، هر زمانی که از روش بحثی به میان آمده، فرض بر این بوده که منظور روش‌های اثباتی، کمی، آماری و مبتنی بر منطق علوم طبیعی است. به همین دلیل نویسنده، عنوان این کتاب را با این هدف «ضد روش» برگزیده که اعلام کند مفهوم روش الزاماً نباید ریشه در علوم طبیعی، علوم اجتماعی عین‌گرا یا منطق صوری و آماری داشته باشد. مفهوم ضدروش در علوم اجتماعی غیراثباتی یا ضداثباتی (رویکردهای نسبی‌گرا، انتقادی، فمینیسم و نظایر آن) نیز برای اشاره به روش‌شناسی کیفی به کار می‌رود تا مخالفت خود را با روش‌های کمی بیان دارند. اهدافی که نویسنده‌ی محترم از نگارش این کتاب مدنظر داشته به‌طور خلاصه عبارتند از:

- نوع نگاه به تولید علم در حوزه‌ی علوم انسانی در شرایط کنونی تغییر کرده، به‌نحوی که نگاهی به اکثر فصلنامه‌ها، رساله‌های دانشگاهی یا مقالات پژوهشی در کشور نشان می‌دهد که بررسی موضوعات تکراری با روش‌های متعارف اثبات‌گرایانه ما را چنان در دام توسعه‌ی علم قرار داده که به‌سختی ادبیات و روش‌های دیگری را برای پژوهش‌های خود برمی‌گزینیم. اکثر مجلات و فصلنامه‌ها پر شده‌اند با مقاله‌هایی با عنوان «بررسی عوامل...»، «عوامل مؤثر بر...» یا «تأثیر... بر...». زمانی که مقاله‌ای برای این دست مجلات ارسال می‌شود، به اتهام فقدان جدول و نمودار یا «عوامل مؤثر» یا کم‌توجهی روبرو شده و گفته می‌شود که مقاله، علمی مروری یا نظری است. در حالی که در مجلات معتبر جهانی کار بر روی مسائل نظری و روشی بنیادین به موازات مطالعات تحقیقی و کاربردی با جدیت دنبال می‌شود. در چنین شرایطی امیدواری به توسعه‌ی علوم انسانی در کشور تاحدی دور از انتظار است. به نظر می‌رسد نویسنده با در نظر گرفتن این مسأله، به نوعی دغدغه‌ی خود را در این حیطه مطرح کرده است.

- در چند سال گذشته علاقه‌ی نسبی به استفاده از روش‌های کیفی در پژوهش‌ها به‌وجود آمده و تألیفات و ترجمه‌های زیادی در این رابطه در دنیای نشر به چشم می‌خورد. نویسنده بر این عقیده است که در حوزه‌ی علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری کشور همانطور که پارادایم اثباتی و روش‌شناسی کمی را به سطح استدلال‌های آماری و برخی فنون پردازش داده تنزل داده‌اند، روش‌شناسی کیفی را نیز

از مطالعه کمی آن در قالب اعداد و ارقام است. با توجه به محتوای ارائه شده در این کتاب و قصد نویسنده از تألیف آن، می‌توان اذعان نمود که ایشان با تجربیات خود و بهره‌گیری از طیف بالایی از منابع دست اول و متنوع توانسته است به بهترین نحو به موضوع روش‌شناسی کیفی بپردازد. نقدی که در این قسمت می‌توان مطرح کرد این است که محقق می‌توانست برای غنای مطالب در روش‌های مختلف پژوهش از تجارب عملی خود یا پژوهش‌های انجام شده در زبان فارسی استفاده کند که این کار را نکرده است.

ارزیابی کلی

بررسی کتاب روش تحقیق کیفی ضدروش از حیث ساختار ظاهری، نحوه بیان مطالب و محتوای ارائه شده گویای آن است که این اثر می‌تواند در زمره‌ی کتاب‌های مفید و مؤثر در حوزه‌ی روش‌شناسی کیفی قرارگیرد. احاطه‌ی کامل محقق بر مطالب تألیف شده و جامعیت مطالب و گستردگی حجم منابع و روزآمد بودن آن‌ها به ارائه‌ی مفاهیم جدید روش‌شناختی کیفی کمک زیادی کرده است. دسته‌بندی‌های متفاوت و تشریح مبانی و خاستگاه ابزارها و روش‌ها، استفاده از ابزارهای کمی نظیر جدول، نمودار و کادرهای توضیحی برای ارائه‌ی محتوا به درک بهتر مطالب از سوی خواننده کمک خواهد کرد. یکی دیگر از مهم‌ترین نقاط قوت کتاب، ارتباط منسجم بین فلسفه و پارادایم‌های روش‌شناسی و روش‌های تحقیق مرتبط با آن‌ها می‌باشد که در دیگر کتب روشی چنین انسجام و یکپارچگی دیده نمی‌شود. محقق سعی کرده است اثر خود را به صورت مستند ارائه نماید و این یک ویژگی بارز و برجسته در مقایسه با سایر آثار تألیفی در حوزه‌ی روش تحقیق در ایران است. برخی از بندهای کتاب دارای چندین مرجع است و این خود نوعی تحول در رعایت اخلاق علمی و نگارش است. تجربه‌ی نویسنده و بهره‌گیری بسیار زیاد از دیدگاه‌ها افراد صاحب‌نظر و منابع متعدد و دست اول می‌تواند جایگاه ممتازی در بین سایر کتاب‌های روش تحقیق برای این اثر به ارمغان آورد.

مطالعه‌ی عمیق این کتاب به دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و نیز مدرسان درس روش تحقیق و سایر علاقه‌مندان به این حوزه توصیه می‌شود.

پی‌نوشت:

1. azadi_gh@yahoo.com

در قالب برخی فنون ساده تحقیق مانند مشاهده یا مصاحبه معرفی کرده‌اند. در حالی که درک روش‌شناسی‌های کمی و کیفی باید با ارجاع و توجه به بنیان‌های فلسفی و پارادایمی آن‌ها صورت گیرد؛ زیرا فنون گردآوری یا تحلیل داده در سلسله‌مراتب تولید معرفت کمترین اهمیت را داشته و ساده‌ترین مهارت‌ها به‌شمار می‌روند. از این‌رو، نویسنده بخش زیادی از کتاب را به معرفی و تشریح جهان‌بینی‌های متنوع و مناقشه‌های فلسفی بین روش‌های هرکدام اختصاص داده است. گرچه فصل مجزا و نسبتاً مفصلی به این مسأله اختصاص پیدا کرده، اما در هر یک از فصول کتاب نیز به تناسب موقعیت و ضرورت به بحث‌های نظری و فلسفی توجه شده است. مؤلف حتی در بخش‌های بسیار فنی و روشی صرف نیز از یادآوری و توضیح برخی نکات پارادایمی خاص فروگذار نکرده است. از نظر نویسنده، بیان بسط بیشتر این مباحث هرچند تکراری باشد باز هم ضرورت دارد تا ذهن شرطی شده اکثر ما را باز کرده و با بحث‌های دیگر جایگزین سازد. در بدترین حالت، نویسنده معتقد است تکرار این مطالب فلسفی اگر هم کسالت‌آور باشد، باز هم به همان اندازه تکرار مباحث متعارف و خشک کمی و آماری خسته‌کننده است که سال‌هاست با جدیتی شگفت‌آور در علوم اجتماعی کشور بحث و دنبال می‌شود. به این ترتیب روشن می‌شود که نویسنده با عنوان کردن مبانی و اصول بنیادی تحقیقات کیفی به سراغ تبیین رویکردهای مختلف در انجام اینگونه مطالعات رفته است.

• دلیل دیگر نگارش این کتاب، وجود برخی ساده‌انگاری‌ها در مورد روش‌شناسی کیفی، رویه‌ها، راهبردها و طرح‌های آن در بین اکثر محققان است. در کمال تأسف و تعجب این تصور وجود دارد که روش‌شناسی کیفی فاقد تنوع و پیشرفت در طرح‌های تحقیق، رویه‌های گردآوری و تحلیل داده، راهبردهای نمونه‌گیری و شیوه‌های اعتباریابی است. سال‌هاست که برخی افراد و نیز کتاب‌های روش تحقیق، ذهن دانشجویان را از تقسیم‌بندی‌ها و بحث‌های بسیار ساده و سطحی در باب روش‌های تحقیق پرکرده‌اند. واضح‌ترین مثال در این باره، تقسیم روش مصاحبه به سه نوع تکراری، قدیمی و بدیهی ساختاریافته، نیمه‌ساختاریافته و ساختاریافته و یا تقسیم روش نمونه‌گیری به دو نوع احتمالی و غیراحتمالی است. مطالعه‌ی اکثر این کتاب‌ها، خواننده را با انبوهی از مطالب تکراری که تنها با جمله‌بندی‌های متفاوت ارائه شده، مواجه می‌سازد. نویسنده در این کتاب با حجم زیادی از منابع دست اول در حوزه‌ی روش‌شناسی و بررسی صدها کتاب، وسعت، تنوع و پیچیدگی روش‌شناسی کیفی را به خوانندگان علاقه‌مند نشان داده است. بررسی منابع و مآخذ مورد استفاده‌ی نگارنده، گویای آن است که کار تألیف این کتاب به صورت عمقی و با تکیه بر منابع پایه (که به‌طور مثال تاریخ نشر آن‌ها از تاریخ ۱۹۲۹ تا ۲۰۰۸ گسترده است) در حوزه‌ی روش‌شناسی صورت گرفته است. به این ترتیب خواننده با مطالعه‌ی کتاب درمی‌یابد که مطالعه‌ی کیفی زندگی آنان در چارچوب روش کیفی بسیار پیچیده‌تر